

برهه زمانی که در آن هستیم



چیت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

دقیق ترین عبارت برای ایامی که در آن هستیم، صلح نیست، حتی تعبیر آتش بس هم دقیق نیست، بلکه هدنه است. هدنه را باتوجه به معنای آن در روایات و لسان اهل بیت^(ع) نمی توان صلح یا حتی آتش بس معنا کرد مگر با مسامحه، بلکه هدنه درواقع به معنای ایام قبل از جنگ است. ایام قبل از جنگ با همه خصوصاتی که در این ایام هست و باید باشد که برخی از آن ها عبارت است از کسب آمادگی بیشتر، چه در قوای نظامی و چه در قوت روحیه و انگیزه و چه در مقوله موضع و مسیر تا بازنگری کنیم که می خواهیم در کدام جبهه باشیم؛ مبادا آن طور که باید، جبهه خودمان را تعیین نکرده باشیم؛ مبادا در جبهه ای قرار گرفته باشیم که حق نباشد. گاهی از هدنه به مهاده نیز تعبیر می شود. مهاده در اصطلاحات فقه نظامی به معنای ترک کارزار و دست کشیدن از جنگ کافران تا مدت معلومی است. مهاده را باید امام یا کسی که امام، او را برای عقد قرارداد منصوب کرده است، امضا کند و قرارداد مهاده تنها با کسانی که جایز القتل نه واجب القتل باشند، منعقد می شود. مدت عقد قرارداد مهاده، بستگی به قوت و ضعف مسلمانان دارد. امیرالمؤمنین^(ع) در هدنه جنگ صفین فرمودند: «...وَلَعَلَّ اِنْ يَضْلَحْ فِي هَذِهِ الْهَدْنَةِ اَمْرٌ هَذِهِ الْاُمَّةُ وَلَا تُحَذَّرُ بِاَقْطَامِهَا فَتَنْجَلَ عَنْ تَبَيُّنِ الْحَقِّ، وَتَنْقَادَ لِاَوَّلِ الْقَيِّ...» بلکه خدا در این فرصت آتش بس، صلح و آرامش و آنچه شایسته و صلاح امت بود، فراهم سازد. مهلت دادم تا مجاری تنفس و تفکر ملت، بسته نشود و ناگزیز نباشند در شناختن حق شتاب کنند و با عجله، گمراهی را بر خود آغاز نکنند و بدان پایبند شوند». امام علی^(ع) در مورد مهاده ای که در جنگ صفین امضا شد، فرمودند: «لَعَلَّ اِنْ يَضْلَحْ فِي هَذِهِ الْهَدْنَةِ اَمْرٌ هَذِهِ الْاُمَّةُ...» شاید خداوند در این فرصت آتش بس، امر این امت را اصلاح کند. آیت... علم الهدی، امام جمعه محترم مشهد مقدس، در خطبه های نماز جمعه مشهد با بیان اینکه در مسئله اخیر، عبارت آتش بس صحیح نیست و درواقع ما هدنه کردیم، گفت: ما در هیچ مبارزه ای شکست نخوردیم و عقب نشینی هم نکردیم. دراین موضوع هم مسئله صلح نداریم؛ هدنه است. هدنه یعنی گاهی اوقات مصلحت بدانند جنگ عقب بیفتند و فرماندهان نظامی هم نظرشان این باشد که تجدید قوا کنیم. در مورد اینکه هدنه چند طول می کشد، علما می گویند به شرایط دشمن و میزان آمادگی جبهه خودی بستگی دارد. اما در ایام محرم قرار داریم. ازقضا در این روزها به عبارتی برمی خوریم که در متون دینی ما ایام مهاده نام نهاده شده است(نیمه اول محرم)، درحالی که در این ایام نه صلحی بود نه حتی آتش بسی بود، بلکه چنان که گفته شد، مهاده در معنای دقیق خود در اینجا، به معنای ایام قبل از جنگ استفاده شده است؛ ایامی که بگومگوها و رفت و آمدها و اتفاقات و رفتارها در آن از جنگ قریب الوقوعی خبر می دهد. در تاریخ آمده است رسیدن نیروهای عمرسعد و استقرار مقابل سپاه امام حسین^(ع) و گفت وگوهای امام^(ع) با نمایندگان کوفه برای جلوگیری از جنگ و اتمام حجت امام با سپاه دشمن و رسیدن لشکر شمر در اوایل محرم، رخ می دهد. آنچه مهم است، در ایام هدنه یا مهاده باید در انگیزه و روحیه و موقعیت تاریخی خود بازنگری کرد و برای انتخاب ها و اعمال سرنوشت ساز آماده شد.

اشارت

داستان آیه تطهیر

محمدجواد علی پورا در ایام محرم هستیم و قدری از عاشورا فاصله گرفته ایم. سیر حرکت ابعاد...^(۱) و یاران وفادارشان را از تولد ایشان تا کربلا با شما خوبان مرور کردیم و از امروز می رویم تا ببینیم این خانواده نورانی مخصوصا وجود مقدس امام حسین^(ع) در مسیر زندگی تا رسیدن به ایام برحزن کربلا شاهد چه اتفاقاتی بودند. این داستان های متقن از زبان شیعه و اهل سنت بیان شده است و این رویدادها خود گویای بخش مهمی از چرایی و فلسفه عاشورا و وقوع این حوادث خواهد بود.

آیه تطهیر: پرده ای از نور

در آن روزهای غرق در نور، وقتی آفتاب مدینه بر کوچه های خاکی می تابید و دیوارهای خانه فاطمه^(س) از عطر بهشت پر می شد، پنج تن مثل ستارگان درخشان، زیر سایه رحمت الهی گرد هم آمدند، پیامبر اکرم^(ص)، علی مرتضی^(ع)، فاطمه زهرا^(س)، حسن مجتبی^(ع) و حسین سیدالشهدا^(ع) در آن جمع مبارک حضور داشتند. گویی زمین به احترامشان از حرکت ایستاده بود و زمان، نفس هایش را در سینه حبس کرده بود تا این لحظه مقدس را ثبت کند.

فرود فرشته وحی

ناگاه، نسیمی از ملکوت وزید و جبرئیل امین، فرشته مأمور وحی، با شکوهی بی نظیر فرود آمد. پیامبر^(ص) چشمانش را بست و قلب مبارکش به لرزه افتاد، گویی رودی از نور در وجودش جاری شد. جبرئیل کلام پروردگار را به او رساند: «إِنَّمَا تُرِيدُ... لِیَذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهَّرَ کَرَمٌ تَطْهِیرًا».* «بی گمان، خداوند می خواهد هر پلیدی را از شما اهل بیت دور کند و شما را چنان که شایسته پاکان است، پاک و منزّه گرداند.»*(احزاب: ۳۳) هوا از عطر بهشت آکنده شد. فاطمه^(س) با حرکتی آسمانی، عبا ی پیامبر^(ص) را بر سر خود و خانواده اش کشید. این کسا، تنها پارچه ای از جنس دنیا نبود، بلکه پرده ای از نور بود که آنان را از هرچه ناپاکی است، جدا می ساخت. پیامبر^(ص) دستان پربرنکش را به سوی آسمان بلند کرد و با چشمانی اشک بار زمزمه کرد: «خدا یا! اینان اهل بیت من هستند، پاکشان کن، همان گونه که وعده داری را به پایی داده ای!»

سکوت آسمان و زمین

در آن لحظه، گویی تمام هستی به تماشا ایستاده بود. فرشتگان بال هایشان را گشودند و در حیرت، این صحنه مقدس را نظاره می کردند. زمین و زمان به احترام این پنج تن به سجده افتادند. آیه تطهیر، تنها یک جمله نبود، بلکه دریایی از معنا بود که عصمت و طهارت خاندان وحی را برای همیشه در تاریخ ثبت می کرد. علی^(ع) در سکوت، به چهره پیامبر^(ص) خیره شد و فهمید که این آیه، تنها یک توصیف نیست، بلکه سندی الهی است بر برتری و پاک ای آنان. فاطمه^(س) با لبخندی ملکوتی، دستان کوچک حسن و حسین^(ع) را در دست گرفت. گویی می خواست این امانت الهی را تا همیشه در قلب تاریخ زنده نگه دارد.

پاسخ به شبهه ها

بعضی پرسیدند: «آیا این آیه تنها برای این پنج تن است؟» و پیامبر^(ص) در پاسخ، بارها و بارها تأکید کرد که «این آیه ویژه علی، فاطمه، حسن و حسین است.» حتی وقتی ام سلمه خواست به جمع آنان بپیوندد، پیامبر^(ص) به او فرمود: «تو بر جایگاه خیر هستی، اما این مقام، ویژه آنان است.» این آیه، خط بطلانی بود بر هر تردید و شبهه ای. خداوند خواسته بود همه بدانند که این خاندان، برگزیده ترین مخلوقات او هستند و هرگونه پلیدی از وجودشان زدوده شده است.

پیام آیه برای همیشه تاریخ

آیه تطهیر، فقط یک رویداد تاریخی نبود، بلکه پیامی جاودانه برای همه زمان هاست. این آیه به ما می گوید که راه نجات، در پیروی از این خاندان پاک است. آنان کشتی نجاتند در دریای پر تلاطم دنیا و هر که به آنان تمسک جوید، از هلاکت رهایی می یابد. امروز هم، پس از قرن ها، وقتی این آیه را می خوانیم، گویی همان لحظه مقدس در برابر چشمانمان تجلی می کند. یادمان می افتد که پایی، تنها با تبعیت از این پنج تن حاصل می شود و ولایت آنان، تنها راه رسیدن به رضای خداست. و این گونه، آیه تطهیر نه تنها در صفحات قرآن، بلکه در دل های مؤمنان تاقیامت می درخشد؛ چراغی هدایتگر در تاریکی های جهل و گمراهی. «سلام بر آنان روزی که زاده شدند، روزی که رحلت کردند و روزی که زنده برانگیخته می شوند!»



شهریار
SHAHIRANEWS.IR
شنبه
۲۲ شهریور ۱۳۹۸
۱۴



بررسی جایگاه و آثار عفاف و حجاب در آموزه های دینی و وقایع عاشورا

زیست عقیفانه؛ خواسته فطری انسان

گفت وگو

آمنه مستقیمای صفحات تاریخ ایران اسلامی مملوست از اتفاقاتی که در آن ها، آموزه های دینی با عواطف و غیرت ملی درهم آمیخته و خالق رویدادهایی شده است که نمی شود و نمی توان فراموش شان کرد؛ چه این اتفاق در سال های قبل در صحنه کربلا رخ داده باشد و چه در امروز که ملت شانه به شانه هم و در حمایت و حفاظت از حکم الهی حجاب، درمقابل زورگویی های رضاخانی ایستادند و حتی باوجود حمله به مسجد گوهرشاد، حاضر نشدند از این میراث دینی و مادری دست بکشند. در بررسی حدود حجاب و عفاف در آموزه های دینی و سیره بانوان کربلا، با معصومه ظهیری، استاد حوزه و دانشگاه و دبیر ستاد راهبردی زن و خانواده، گفت وگو کرده ایم.

چپش خیام برای صیانت زنان

در ماجرای کربلا و قیام عاشورای حسینی، هم زنان و دختران در رفتار و پوشش، مراقب حجاب و عفاف خود بودند و هم مردان در این باره زنان را یاری می کردند؛ برای مثال علاوه بر صیانت از محارم، نوع چپش خیمه ها توسط حضرت سیدالشهدا^(ع) به گونه ای بود که اهل بیت^(ع) در میانه قرار داشتند، دور آن ها محارم و بنی هاشم قرار داشتند و در حلقه بعدی، اصحاب جای می گرفتند که این دو علت داشت؛ نخست آنکه کمتر در معرض دید قرار بگیرند و تعاملشان با محارم باشد و دیگر آنکه التهاب جنگ، کمتر به زنان و کودکان برسد.

سد مهم انحراف و فساد

نکته مهم دیگر آنکه زیست عقیفانه بر کنترل نگاه تأکید دارد، «قُلْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ یَغْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَیُخْفِلُوا فُرُوجَهُمْ» چون هرچه دیده ببند، دل کند یاد، از ورودی های مهم دل و ذهن انسان، نگاه است. گاهی انسان ها به درجه کمال نرسیده اند که درجه تاب آوری فراوان داشته باشند اما با کنترل نگاه می توانند از انحراف جلوگیری کنند. این توصیه های قرآن در سیره زنان خاندان رسالت، تبلور و تجلی ویژه داشته است و تاریخ از این کیفیت حضور به عنوان الگویی کاربردی برای همه اعصار یاد می کند.

حجاب امر مشترک در بین ادیان

در تبیین اهمیت مسئله عفاف و حجاب در آموزه های دینی، باید توجه داشت که زیست عقیفانه و پاکدامنی، جزو سرشت و فطرت انسان هاست، یعنی خدای متعال در فطرت و گوهر وجودی انسان، حیا، عفت و پاکدامنی و دوری از ناپاکی ها را نهادینه کرده و در هیوط آدم به زمین، استفاده از پوشش و پوشاندن عورت در تاریخ آورده شده است. علاوه بر این، همه ادیان آسمانی بر رابطه مشروع و برهیز از ارتباطات غیرمتعارف و خارج از چارچوب عقد و نکاح، توصیه می کنند و این مهم از بایدها و نبایدهای ادیان آسمانی محسوب می شود.

در معرض ویروس تبرج قرار نگیرید

جلوه این زیست عقیفانه، نوع روابط بین انسان ها و نوع پوشش و رفتار و اخلاق و گفت وگوهای آن هاست. لذا قرآن کریم به عنوان کتاب زندگی، چند وجه مهم را برای این زیست براساس حیا و پاکدامنی تذکر می دهد و به عنوان باید و نباید مطرح می کند؛ مثل آنکه خودنمایی و جلوه گری نکنید و می فرماید: «وَلَا تَبْرُجْ تَبْرُجُ الثَّجَالِیْةُ الْاُولٰی» (احزاب، ۳۳). در جاهلیت اولیه، انسان ها مبتلا به بیماری خودنمایی بودند و براساس زن باگري، شرایخواری و روابط غیرمتعارف اخلاقی، عمل می کردند که مؤمنان نباید به آن مبتلا شوند.

راهکار برای زیست عقیفانه

توصیه قرآن به انسان در مقابل این جاهلیت، عمل و رفتار براساس تقواست؛ چنان که می فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اٰلِهٰتِكُمْ»؛ یعنی تقوا و خودنگاهداری و انتخاب و عمل در چارچوب عقل و بروز و ظهور استعدادها و توانمندی های انسان. دومین توصیه قرآن برای تحقق زیست عقیفانه، وابستگی نداشتن به ذخایر دنیوی است و می فرماید: «وَلَا یُذِیْبِیْ زِیْنَتُهُنَّ اِلَّا مَا ظَلَهَتْ مِنْهَا» (نور، ۳۱). بله، هستند افرادی که ظاهر زیبا و آراسته دارند، این مشکل نیست اما زینت های عاریه ای و عارض شده مثل لباس و آرایشی که جلب توجه می کند، در نگاه قرآن مطرود است.

حضور مؤثر اجتماعی بارعایت حیا و حجاب

برای مثال حضرت زهرا ی مرضیه^(س) وقتی می خواستند در مجامع عمومی حضور بیابند، حتی در آن مسئله احتجاج در مسجد النبی^(ص)، رد او لباس سرتاپایی داشتند که دنباله اش روی زمین بود و جسم و ظاهرشان مشخص نبود و بازهم در بین زنان، خود را محصور کردند. حضرت زینب^(س) نیز بهترین سیره و عملکرد را در تحقق زیست عقیفانه یک بانو داشتند. یحیی مازنی می گوید: من همسایه زینب کبری^(س) بودم، اما هرگز صدایش را نشنیدم و ایشان را ندیدم و نیز نقل تاریخ است که امیرالمؤمنین^(ع) هنگام زیارت قبر رسول خدا^(ص)، زینب کبری^(س) را در میان برادران قرار می دادند و نور چراغ را کم می کردند تا زمینه جلب توجه برای اغیار فراهم نشود.

سوالات حجاب را بی جواب نذاریم

سیره و مشی و روش اهل بیت^(ع) به ویژه زنان و دختران در ماجرای عاشورا و نوع حضور همراه با عفاف و حجاب آن ها برای امروز ما درس آموز است. در جامعه امروز ما باید دو مسئله رعایت شود. نخست، آموزش و دوم پاسخ به سوالات، هنوز که هنوز است، دانش آموزان و حتی برخی مردم ما سؤال می کنند این نوع پوشش با چه پیشینه ای عرضه شده است و چرا ما باید آن را اجرا کنیم؟ وقتی کار دشمن تحریف حقیقت و آموزه های ناب دینی است، ما باید به سمت آموزش، روشنگری و پاسخ به سوالات حرکت کنیم و تاریخ و سیره اهل بیت^(ع) را که زیست عقیفانه، حیات طیبه و عاقبت به خیری را دنبال می کند، بیان کنیم.

توجه به اقتضانات امروز جامعه

طراحی لباس و آسان گرفتن شیوه های حجاب نیز ضرورت دارد؛ برای مثال برای دختر بچه هه ساله که نومکلف است، باید در طراحی لباس، آسانی، طرح و رنگ و جذابیت در نظر گرفته شود. نمی توان انتظار داشت او همچون مادر بزرگ خود حجاب کند. مسئله بعدی، تبیین و گفتن از آثار عفاف و حجاب است؛ اگر رهاورد این زیست عقیفانه، بیان و آثار و خروجی آن مشخص شود، بهتر می توان نسل جدید و پرسشگر را با حجاب و عفاف پیوند داد. ستایش زنان به عفاف و حیا و پاکدامنی و مردان به غیرت و تهور و حصن بودن برای خانواده، باید با کار فرهنگی نهادینه شود.

روشنا

امام رضا^(ع) فرمودند: هرکه در مجلسی بنشیند که در آن، امر ما احیا می شود، دلش در روزی که دل ها می میرند، نمی میرد. (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۸)

قال الرضا^(ع):

من جلس مجلسا یحیی فیہ امرنا لم یمت قلبه یوم تموت القلوب.

قومی که با شیطان همراه شدند

قصه قرآنی، لوط

خدا برای شما حلالش را آفریده است و شما دست از حلال کشیده اید. اندام همسران تنان را رها کرده اید. اصلا شما قومی زیاده خواه هستید؛ وَكَذَٰلِكَ مَا خَلَقْ لَكُمْ رِزْقَكُمْ فَآلَ اَوْا جَعَمْ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُوْنَ» (شعراء: ۱۶۶). شما فحشایی انجام می دهید که تا حالا هیچ فردی در جهان انجام نداده است: «وَلَوْ اِذْ قَالَ لَقَوْمِهٖ اَتَاْتُوْنِی الْفَاحِشَهٗ مَا سَتَقِمُّکُمْ بِهَآءِیْنَ اَخَذُوْنِی الْعَالَمِیْنَ» (اعراف: ۸۰). لوط^(ع) گفت اینکه به جای زنان به مردان را وروده اید، از شهوت شما سرچشمه می گیرد، اما همان شهوت شده بود گوش و چشم و فرماندار نفسشان: «لَکُمُ الْاَرْۤسَالُ الْۤیۤسَۤءُ وَ لَکُمُ الْاَرْۤسَالُ الْۤیۤسَۤءُ وَ لَکُمُ الْاَرْۤسَالُ الْۤیۤسَۤءُ» (اعراف: ۸۱).

از شما نمی خواهم، من اجر و مزدم را از خدا می گیرم؛ «وَمَا اَسْأَلُکُمْ عَلَیْهِ مِنْۢ اَجْرٍ اِنْ اُخْرِیْ اِلَّا عَلَی رَبِّ الْعَالَمِیْنَ» (شعراء: ۱۶۴). لوط دلش نمی خواست قومش را غرق در تاریکی ببیند. می خواست جهانشان را روشن کند، اما آن ها نمی فهمیدند. با سؤال کردن می خواست جرقه ای در ذهنشان بزند و علامت سؤال بگذارد روی کارهایشان. از آن ها پرسید: میان این همه مخلوق، چرا با میدان ارتباط دارید؟ «اَتَاْتُوْنِی الذِّکْرَآنَ مِنَ الْعَالَمِیْنَ» (شعراء: ۱۶۵).

پیامبر مثل برادر برای آن ها دل می سوزاند، ولی آن ها نمی فهمیدند. لوط اعتراض کنان گفت: چرا حواستان نیست چه می گویند؟ «اِذْ قَالَ لَهُمْ اٰخُوهُمْ لُوطُ اَلَا تَتَّقُوْنَ» (شعراء: ۱۶۱).

به من اعتماد کنید، من دروغگو نیستم. من پیامبری قابل اعتماد هستم برای شما. «اِنِّی لَکُمْ رَسُوْلٌ مُّبِیْنٌ» (شعراء: ۱۶۲). برای من چه منفعتی دارد که شما دست از خطاهایتان بردارید؟ مگر من از شما مزدی برای رسالتم خواسته ام؟ من کمترین پولی

سمانه رضوانی! انسان صفتی دارد به نام سیری ناپذیری، نه اینکه بگویم بد است، نه؛ بستگی دارد کجا خرجش کند؛ مثلا فردی که از علم سیر نمی شود و مدام ولع دانستن دارد، این صفت بدی برایش نیست، ولی وای به حالمان اگر این صفتمان بیفتد در راه کج! آن وقت می تواند ما را تا قعر جهنم ببرد. اگر تربیتش نکنیم، به قول مولانا: «بس که خود را کرده ای بنده هوا/ کرمکی را کرده ای تو ازدها...».

قوم لوط^(ع) هم همین راه را رفتند؛ از فرط سیر نشدن و زیاده خواهی، هم بستر شیطان شدند و رو آوردند به ارتباط با همجنس. لوط^(ع) که به پیامبری برگزیده شد و به سوی آن ها رفت، او را دروغگو خواندند: «كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطِ الْمُرْسَلِیْنَ» (شعراء: ۱۶۰).

شنیدنی